

بررسی تأثیر جامعه‌شناختی معماری منظر در نماهای روستاهای شمال ایران

(مطالعه موردی، معماری پایدار در مازندران، روستاهای الیت و دلیر شهرستان چالوس)

جعفر ولی پور^۱

چکیده

منطقه شمال ایران، همواره منطقه‌ای با آب و هوای معتدل و مرطوب شناخته شده است، اما مسئله مهم وجود برخی نقاط در این منطقه با آب و هوای متفاوت است. از آنجا که اقلیم در روند شکل‌گیری فرهنگ و معماری تأثیر مستقیمی دارد، لذا وجود آب و هوای سرد و کوهستانی در منطقه سبب شکل‌گیری معماری متفاوت با سایر نقاط شمال کشور با آب و هوای معتدل و مرطوب شده است. از سوی دیگر، معماری منظر، بر پایه‌ی طبیعت‌گرایی، مخاطب محوری، عملکرد‌گرایی مبتنی بر طراحی بیرونی با تلفیقی از خاطرات، نیازها و زیبایی‌شناسی مشترک مردم، فضای بیرونی روستا را طراحی و هدایت می‌کند که متأسفانه در پروژه‌های سیما و منظر روستایی، عدم تخصص و بی‌توجهی به اصول و تکنیک‌های مربوط به سیما و منظر، سبب تکرار، تشابه و التقاط ناموفق سبک‌های خارجی و داخلی و گاه ناپودی عناصر و بافت‌های ارزشمند تاریخی شده است. در این میان بررسی معماری منطقه می‌تواند به بخشی از این موارد پاسخگو دهد. در این میان، سازه‌های بومی سازه‌هایی که با توجه به اقلیم و مصالح موجود در منطقه‌ای خاص استفاده شده است و جزئیات متفاوتی در اجرا دارد که مختص همان منطقه است سازه بومی محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: معماری، معماری پایدار، معماری الیت و دلیر، معماری منظر.

۱. مقدمه

ایران کشوری پهناور با مناطق مختلف آب و هوایی، دارای شیوه طراحی معماری سنتی است به نحوی که بر مشکلات محیط زیستی در معماری فائق آمده و دارای ویژگی‌های خاصی برای طراحی معماری روستایی در هر منطقه است. این ویژگی‌ها، آسایش انسان و صرفه‌جویی در انرژی طبیعی را به همراه دارد. معماری روستایی ایران، دارای فرم‌های بی‌آرایش و ساده‌ای هستند که معماری بومی در محیط‌های طبیعی و فطری شکل گرفته است. روش‌های طراحی سنتی در معماری ایران، برای معماران سنتی ایرانی، استفاده از انتقال حرارتی و تبخیر در طراحی، باد و آب، نقش مهمی ایفا می‌کند.

معماری بومی در ایران بیش از ۶۰۰۰ سال تاریخ پیوسته دارد. (حائری، ۱۳۸۸) این معماری نه تنها فراتر از مرز جغرافیایی ایران امروزی نمودی بارز دارد بلکه از نظر تنوع، پهنه وسیعی را دربرمی‌گیرد.

ظرفیت‌های ویژه موجود همچون منابع آبی (رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای متعدد)، جنگل و مراتع حاصلخیز، موجب شده تا منطقه الیت و دلیر در غرب مازندران همواره از دیرباز مورد توجه جوامع انسانی قرار گیرد. وجود پناهگاه‌ها، غارها، تپه‌ها و محوطه‌های متعدد باستانی از ادوار مختلف در این منطقه شواهدی آشکار بر این مدعی است. از سوی دیگر، با شتاب فزاینده ایجاد شده در روند توسعه، به ویژه گسترش بافت‌ها و فضاهای شهری در محیط‌های روستایی، محوطه‌های باستانی و ساختار طبیعی منطقه به‌طور جدی در معرض تهدید و تخریب قرار دارند.

در سواحل جنوبی دریای خزر به خصوص استان مازندران، میزان بارندگی مهم‌ترین عنصر در طراحی معماری سقف است. سقف‌ها معمولاً به نحوی با شیب خاصی برای کنترل بارش باران طراحی شده و مصالحی که برای بام و ساختمان استفاده شده، معمولاً طبیعی هستند و شیروانی‌ها از گیاه نی یا گالی ساخته شده‌اند. همچنین در این منطقه به دلیل رطوبت و نیاز به تهویه طبیعی از ایوان استفاده شده است. یکی دیگر از مصالح کاربردی برای ساخت خانه در معماری روستایی استفاده از خشت یا چینه گلی است که قطعاً چنین مصالحی به وفور در دسترس می‌باشد و خاصیت ویژه‌ی خشت از نظر رفتار حرارتی دلیل دیگر آن است. مصالح چوبی در انواع مختلف و به ویژه چوب درختان می‌باشد که ویژگی‌های فنی آن از قبیل سبکی، سهولت دسترسی، کارپذیری، مقاومت در برابر کشش و خمش و پیمون‌وار بودن (مدولار) است. در مجموع، چوب و گل مناسب برای ساخت و ساز خانه‌های «چینه‌ای چوبی» در استان مازندران متداول بود. (ولی‌پور، ۱۳۸۷)

توجه در روند شکل‌گیری سکونتگاه‌های روستایی در گذشته یک روند ارگانیک در ایجاد سکونتگاه‌ها وجود داشته است. معماری سنتی منبع غنی است که پتانسیل قابل‌توجهی به ما در فهم و طراحی و ساخت پایدار دارد. ساختمان‌های بومی از مصالح محلی در دسترس ساخته شده‌اند و به طبیعت احترام می‌گذارند. از آنجا که معماری

پایدار نیز زندگی در طبیعت و با طبیعت است تا حدی بر اصول معماری بومی منطبق است. مخصوصاً در خانه‌های سنتی روستایی شمال کشور که ظاهری متفاوت از دیگر نقاط دارد، اقتباس ساده از طبیعت و جغرافیای منطقه نمایان بوده و پاسخگویی نیازهای اساسی مردمانی است که فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگ زیستی آنان متفاوت با دیگر نقاط ایران می‌باشد؛ اما در دهه‌های اخیر توسعه، ایجاد مسکن روستایی، فاقد رویکرد پایداری است، زیرا سازه‌های معماری به دلیل عدم توجه به محیط، پتانسیل‌های موجود و مؤلفه‌های معماری پایدار، ناتوان از پاسخگویی مطلوب مردمان جامعه است. با نگاه و مقایسه‌ی معماری گذشته و کنونی روستاهای شمال ایران، راهبردهایی برای بهبود وضعیت مسکن در جهت رسیدن به معماری پایدار، با استفاده از معماری منظر قابل دسترس است. آنچه قابل تأمل است، معماری پایدار منطبق بر اصول معماری و بومی می‌باشد و از آنجا که قدمت معماری بومی در روستاها بسیار زیاد است، بنابراین قابلیت‌های زیادی برای ساخت مسکن پایدار در صنعت ساختمان‌سازی شمال ایران وجود دارد.

در بسیاری از کشورها و مخصوصاً در کشورهای اروپایی، صیانت از محیط طبیعی و منظر روستایی یک اصل مهم تلقی شده است که بر اساس آن نیز پژوهش‌ها و تدوین دستورالعمل‌های ارزیابی منظر و آثار «بصری» توسط مؤسسه‌ها و مراجع ذی‌ربط انجام شده است. همچنین توجه به قوانین و مقررات حفاظت از محیط‌زیست و منظر و نیز تأکید زیاد بر دستورالعمل‌های ارزیابی در هر دو زمینه شهری و روستایی را می‌توان در قالب برخی دلایل به شرح زیر برشمرد:

- بخش اساسی منابع طبیعی پایه را تشکیل می‌دهد؛
- به‌مثابه گنجینه‌ای، آثار و مستندات باستانی و تاریخی را در خود جای می‌دهد؛
- جایگاه زیست گیاهان و همین‌طور انسان‌هاست؛
- به مانند گنجینه‌ای است که واکنش‌های عاطفی، فرهنگی و معنوی انسان از آن بیرون می‌جهد و به کیفیت زندگی شهری و روستایی غنا می‌بخشد؛
- منبعی ارزشمند برای بازآفرینی است. (تقوایی، ۱۳۹۲)

از دیدگاه معماری منظر آنچه که در تحقق و تعریف فضای جمعی اهمیت دارد، اجرای پروژه‌ها به‌گونه‌ای است که فضای جمعی مورد نظر عملکرد چندگانه در تأمین نیازهای مادی و مخاطبان داشته باشد نه صرفاً یک عملکرد کلی. در عین حال این فضا چنان‌که از نامش پیداست یک فضای اختصاصی نیست، دیوار و حصاری ندارد و در تمام ساعات شبانه‌روز و برای همه اقشار اجتماعی قابل دسترس است. این اهداف که به ویژه در اجرای پروژه سامان‌دهی اهمیت بسیار دارد، در یک برداشت کلاسیک از پروژه‌های سامان‌دهی به روش‌های معمول در ایران هیچ‌گاه مورد توجه نبوده است.

در رویکرد جامعه‌شناختی می‌توان روستا را به مثابه یک واقعیت اجتماعی تعریف کرد به گونه‌ای که روستا حاصل مجموعه‌ای از روابط میان بازیگران اجتماعی است؛ بنابراین، این باور وجود دارد که شکل‌گیری فضاها و روابط روستایی از این روابط تبعیت می‌کنند. این رابطه را می‌توان در بافت اجتماعی و طبیعی به روشنی مشاهده کرد به گونه‌ای که تمام ابعاد و زوایای معماری پارسی در روستاهای الیت و دلیر با ویژگی‌های زیر قابل تشخیص است:

- استفاده از سنگ بریده، منظم و پاک‌تراش و گاه صیقلی و تهیه بهترین مصالح از لحاظ مرغوبیت، رنگ و دوام از هر جا که میسر بوده است.
- استفاده از سنگ‌ریزه در ساخت پی.
- قرار دادن ستون‌ها در حداکثر فاصله‌ی ممکن نسبت به هم و ارتفاع زیاد آن‌ها نسبت به زمین و آرایش و چیدمان مناسب آن‌ها برای تقسیم بار سقف بر ستون‌ها.
- پوشش با شاه‌تیر، تیرچه چوبی تخته بریده و درودگری شده.
- تعبیه سایبان و آفتاب‌گیر برای ساختمان‌هایی که نیاز به چنین آن داشته‌اند. (پیرنیا، ۱۳۸۶)

از نظر اجتماعی نیز، روستاها مکان‌های مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای جمعی، اعتلای ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری از روش‌های انسانی و هویت‌های ملی و محلی هستند.

از سوی دیگر، اگرچه مطالعات محیطی، بیشتر در سطوح کلان باستان‌شناسی استفاده می‌شود، در سطوح مختلف نیز کاربردهای خاص خود را دارد. در این سطوح ویژگی‌های محیطی، اعم از محیط طبیعی (همچون شرایط اقلیمی، جغرافیایی و زمین‌شناختی) و محیط مصنوع (همچون شبکه‌راه‌ها، فضاهای معماری و زمین‌های مزروعی) در ارتباط با فرآیند شکل‌گیری، تداوم و تغییر بافت‌های مورد نظر به منظور شناخت ارتباط بین محیط و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سنجیده و تحلیل می‌شود. (کریمیان و احمدی، ۱۳۹۴)

۲. پیشینه پژوهش

در گذشته بناهای لازم برای سکونت خانواده‌ها، فضاهای مورد نیاز برای زندگی دام و طیور، فضاها برای نگهداری محصولات کشاورزی و عوامل تولیدی روستاییان، با استفاده از مصالح بومی نظیر؛ خاک، سنگ، چوب، گیاهان محلی و بوته خار که در اطراف محل زندگی روستاییان وجود داشت، بنا می‌شد به گونه‌ای که هر کدام، نوعی از مصالح ساختمانی بود که به دقت مورد توجه قرار گرفته و به صورت صحیحی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند. (زرگر، ۱۳۸۶)

روند شکل‌گیری روستاهای شمال کشور ایران به صورتی الهام گرفته از طبیعت و الگو یافته از جغرافیای محل است. ساکنان روستاهای ایران همواره در راستای پاسخگویی به نیازهای اقلیمی در ساخت خانه‌های خود علاوه بر استفاده

از نمادهای دستی و بومی، نشان‌گر فعالیت‌های اقتصادی منازل نیز می‌باشد. (خاکپور، ۱۳۸۴). بناهای روستایی مازندران به ویژه منطقه الیت و دلیر به دلیل شکل و مصالح بومی این منطقه که به دلیل وجود جنگل معمولاً از چوب است، به نظر می‌رسد ساختار خاصی از معماری را دنبال می‌کند. نحوه ساخت بناهای روستاهای الیت و دلیر، تکنیک‌های سنتی ساخت و تطبیق آن با بناهای مصالح جدید است که شرایط زندگی در این منطقه را با اقلیم هماهنگ نموده است.

همچنین بناها از نظر مصالح ساخت و آرایش قسمت‌های مختلف، تحت شرایط جغرافیایی محیط خود قرار می‌گیرند و به سبب انعکاس این تأثیر از اهمیت جغرافیایی برخوردار می‌شوند. بناهایی که بیشترین تطبیق را با محیط جغرافیایی داشته و تأثیرات محیط خود را به خوبی منعکس می‌کنند، مساکن روستایی می‌باشند (ظاهری، ۱۳۷۴).

تحقیقات در خصوص مهاجرت روستاییان به شهرها عمدتاً بر آن است تا تبیین کند که چرا روستاییان مهاجرت می‌کنند و عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری آنان برای مهاجرت چیست؟ اگرچه عوامل اقتصادی و غیراقتصادی به‌طور هماهنگ در ایجاد انگیزه‌های مهاجرت روستا به شهری مؤثرند، بی‌تردید در فرایند تصمیم‌گیری برای مهاجرت، به‌طور نسبی عوامل تأثیرگذار در اشخاص و از مناطق گوناگون کاملاً متفاوت است؛ چراکه طیفی گسترده از افراد و قشرها را تشکیل می‌دهند که زمینه‌هایی متفاوت برای مهاجرت دارند (طاهرخانی، ۱۳۸۰).

روستاهای الیت و دلیر در غرب مازندران، در میان رشته‌کوه‌های البرز قرار داشته و مسیر آن در جاده کندوان و پس از عبور از دزبن با جاده‌ای کوهستانی از سمت راست و طی مسیری به طول ۳۵ کیلومتر می‌باشد. الیت و دلیر، منطقه‌ای دره‌ای است شرقی-غربی که آب رودخانه آن از مجموعه‌ی یخچال‌ها و چشمه‌های طبیعی (به عنوان مثال؛ چشمه هفت خمی، ارتفاعات دلیر، سیاه چشمان و ارتفاعات الیت) بوده و سرچشمه اصلی رودخانه چالوس است. این منطقه به دلیل کوهستانی بودن، دارای آب و هوای سرد کوهستانی با زمستان‌های طولانی و پربرف و تابستان‌های معتدل و خنک می‌باشد.

نکته مهم و در خصوص این دو روستا و بررسی‌های انجام شده، نشان داد که در هیچ دوره‌ای نمی‌تواند خالی از سکونت و استقرار انسانی باشد. کشف آثار مربوط به اکثر دوره‌های تاریخی در جای‌جای این منطقه این نظر را با قوت هرچه بیشتر تأیید می‌نماید. محوطه‌هایی نظیر خانیان، قلاکوتی (این قلعه که در روستای دلیر واقع شده است، آثار زیادی از آن به جای نمانده است. با کنده‌کاری در این محل، تیرزین، پیکان و سایر لوازم جنگلی به دست آمد)، وجود زمینی به نام «چارسی» یا چهارسوق نزدیک امامزاده دهکده الیت نشانه وجود بازار بزرگی در این منطقه بوده است. در این مکان قبلاً گندم کشت می‌شده اما در حال حاضر به دلیل وجود سیل و وجود زمین آبرفتی و شنزار غیرقابل استفاده کشاورزی است. نظری به تاریخ کهن معلوم می‌شود که فداییان اسماعیلیه شجاع و بی‌باک بودند و

در جنگ‌ها تا آخرین نفر مقاومت می‌کردند و از سوی دیگر می‌دانیم که اسماعیلیه به دست مغولان تارومار شدند و دامنه وحشت و خونریزی این متجاوزین نیز که پاهایشان به هر جا می‌رسید، موجود زنده‌ای باقی نمی‌گذاشتند مشخص است؛ بنابراین شهر الکبیره که احتمالاً بایستی در جای خرابه‌های کنونی الیت باشد به دست مغول‌ها و بران و با ساکنانش یکجا معدوم شده است. (ولی پور، ۱۳۸۷)؛ و این امر حاکی از عدم مهاجرت به شهرها از سوی ساکنان این دو روستا می‌باشد.

عوامل مؤثر بر فضاهای بیرونی عمدتاً شامل تمام جنبه‌های زیبایی‌شناسی، فرهنگی، هویتی، اجتماعی، اقتصادی و تمام شرایط و ویژگی‌های انسانی شامل تاریخ، سنن، آداب، روانشناسی فردی و اجتماعی است. به‌طورکلی عوامل مؤثر بر فضاهای بیرونی یا محیط خارجی مجموعه پارامترهایی است که برای یک زندگی جمعی مطرح و مورد نیاز است. پارامترهایی که عمدتاً غیرمادی است و از جنس معیارهای مورد نظر در طراحی توده حجمی ساختمان نیست. محبوبیت و اهمیت فضاهای عمومی و کارکرد آن برای مردم که علاوه بر مردم و سکنه بومی هر منطقه، ویژگی‌های آن کاراکتر خاص از آن منطقه را به نمایش می‌گذارد و معرف آن است که در صنعت گردشگری نیز اهمیت خاصی دارد.

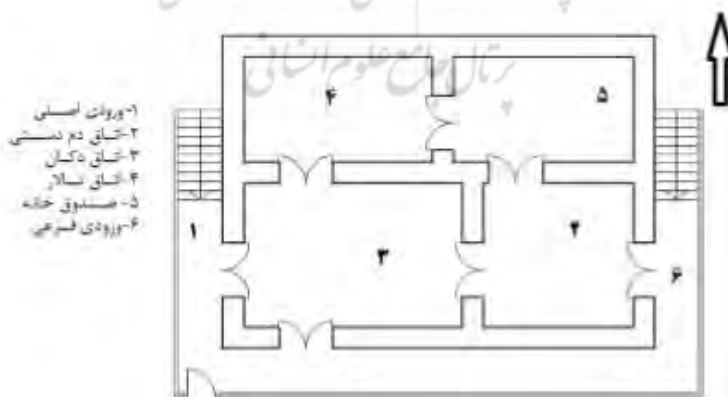
از این رو، سه هدف به‌طور عمده در معماری منظر مورد توجه است و کسانی که تئوری‌های مربوط به این رشته را مطالعه می‌کنند، می‌آموزند که طراحی فضاهای بیرونی یا جمعی، نخست از لحاظ فرهنگی - هویتی همچنین زیبایی‌شناسی هنری و سرانجام از لحاظ کارکردی یا عملکردی، چگونه باید باشد و به چه مواردی باید توجه شود؛ بنابراین یک معمار منظر بخش مهمی از عمر یادگیری‌اش را صرف آموختن این وجوه می‌کند. توجه به وجه زیبایی‌شناسی هنری بیشتر به خوانایی محیط منجر می‌شود و وجه فرهنگی - هویتی، مسائل نشانه‌شناسی و ذهنی انسان‌ها را در بر می‌گیرد و توجه به وجه عملکردی به معنی توجه به تأمین نیازهای عمومی مخاطبان یا استفاده‌کنندگان است.

منظر روستاهای ایران در نیم‌قرن اخیر، دچار از هم گسیختگی عمیق شده و راه تکامل تدریجی خود را از دست داد و دچار بحران شد. برخی از اساسی‌ترین عوامل این بحران عبارت‌اند؛ از تغییر ساختار اقتصادی، تحولات سریع در مصالح و فناوری ساخت که با توجه به شرایط محیط روستایی ایران بومی شده است، شهری شدن روستاها بر اثر انفجار شهرها و برخی تحولات ناسازگار با اقلیم و بافت روستاها در غالب طرح‌های ارشد استانی که به وسیله برخی از مدیران و طراحان و برنامه صورت گرفته است. (عباس‌زادگان ۱۳۸۹) دچار آسیب‌های جدی کرده است.

از سوی دیگر، گردشگری خانه‌های دوم، اثرات منفی نیز به دنبال داشته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از؛ تغییر کاربری اراضی و تخریب مراتع و باغات، افزایش تولید زباله و نبود برنامه‌ای برای جمع‌آوری زباله و پراکندگی در

کنار جاده‌ها، مراتع و رودخانه‌ها، افزایش هزینه ساخت و ساز و عدم هماهنگی بین نوع مصالح و سبک معماری بناهای روستاییان با خانه‌های دوم، چرا که مصالح به کار رفته در خانه‌های سنتی روستاییان معمولاً مواد موجود در ناحیه و از سنگ، گل و چوب، به صورت همگون و هماهنگ با محیط اطراف است، اما خانه‌های دوم که در روستاها احداث می‌شوند از مصالح شهری و با تیپ کاملاً متفاوت از خانه‌های روستایی ساخته می‌شوند. معماری خانه‌های روستایی متناسب با کارکردهای مختلف آن از قبیل دامداری، طیور داری، تهیه فرآورده‌های دامی، گیاهی و صنایع دستی است. در حالی که خانه‌های دوم فقط کارکرد استراحتی و تفریحی دارند. البته وجود خانه‌های دوم بر سبک معماری خانه‌های ساکنان نیز تأثیر گذاشته و موجب کاهش فضاهای معیشتی در درون بافت خانه‌های ساکنان شده است و این امر ساختارهای نامتناسب با کارکرد روستا را به وجود آورده است (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۱)

نقشه‌ی پلان معماری روستایی خانه وابسته به عوامل محیط‌زیستی و اجتماعی است که امنیت را تضمین کرده باشد. مراجعه به مصالح، اشکال و احجامی که با شرایط محلی روستا پیوند خورده باشند از مشخصه‌های معماری روستایی خانه‌های مختلف است. معماران از همان شروع با طرح اتاق و ایوان جلوی آن سعی در شکل‌گیری پلان روستایی (تصویر شماره ۱) هستند که با طبیعت اطراف خود تطبیق و سازگاری کامل دارد. درب‌ها و پنجره‌ها در مکان‌های مختلف بر اساس عملکرد خواسته شده قرار می‌گیرند و حالت پیمون‌واری خود را دارند. در خانه‌های روستایی اتاق چندین عملکرد را با هم ایفا می‌کند، عملکردهایی مانند خواب، نشیمن، غذاخوری، پذیرایی و حتی آشپزی در اتاق انجام می‌شود. نکته دیگر فصلی بودن استفاده از اتاق است. اتاق در فصل سرما، محل خواب و خوردن و حتی آشپزی است و در فصل گرما اتاق جای خود را به عناصر دیگری می‌دهد و این اعمال در ایوان یا در بیرون مسکن انجام می‌شود و آشپزخانه در این فصل، فضای کوچک مستقلی دارد. (صفری، ۱۳۹۴)



(تصویر شماره ۱)

۳. بررسی و تحلیل

با فراهم شدن ارتباطات گسترده در مناطق روستایی کشور و ایجاد امکانات جابه‌جایی مصالح ساختمانی و حمل‌ونقل آن‌ها به نقاط دوردست، محدودیت‌هایی که در گذشته برای انتخاب و به‌کارگیری مصالح در روستاها وجود داشت، از بین رفته است. در نتیجه روستاییان امروزه می‌توانند علاوه بر مصالحی نظیر سنگ و خاک که با برداشت از محیط پیرامون روستا به دست می‌آید و یا مصالحی نظیر بلوک و ملات که در محل و توسط کارگران محلی روستا تولید می‌شود، به خرید مصالح دیگری نظیر آجرهای گوناگون که در واحدهای تولیدی کوچک نزدیکی روستا ساخته می‌شود و یا مصالحی همچون سیمان و فولاد که در واحدهای بزرگ تولیدی دور از روستایشان تولید می‌شود، نیز دسترسی داشته و از آن‌ها برای ساخت بناهای روستایی استفاده نمایند. (تسنیمی، راهب، میر مقتدایی، ۱۳۸۹)

با نگاهی به دوران گوناگون معماری، تصویر طبیعت در نمای بناها به شکل‌های متفاوت دیده می‌شود و چگونگی این شکل از معماری به عنوان شاخصی مهم برای شناخت ریشه‌های فکری گونه‌ای از متد معماری و دید معمار نسبت به طبیعت است و از سوی دیگر انعکاس طبیعت در قسمت‌های مختلف ابنیه در بنا، از نقاشی بر روی دیواره غارها آغاز شده است. با توجه به این امر می‌توان معیارهای ایجاد بنا در روستاهای الیت و دلیر را این‌گونه برشمرد:

- هماهنگی با فرم بنا
- ارانه معانی در خور بنا
- هماهنگی با شرایط طبیعی و سیمای روستا
- سازگاری با آب و هوا
- تناسب با سازه
- در دسترس بودن مصالح و قیمت مناسب
- شیوه‌های به‌کارگیری مصالح

از این رو، ایجاد نقش برجسته بر دیوارها و استفاده از معماری بومی در هماهنگی با فرم بنا به عنوان سر ستون‌ها، پای ستون‌ها و شبیه نمودن ستون‌ها به فرم‌های گیاهی است. (تصاویر شماره ۲ و ۳) این نوع جلوه طبیعت در معماری روستاهای البرز مرکزی نیز دیده می‌شود. این انواع جلوه اشکال طبیعی در معماری کمابیش ادامه می‌یابد تا اینکه در قرن حاضر معماری از تزئینات و فرم‌های گذشته چشم می‌پوشد و جنبه عملکردی به خود می‌گیرد.



(تصاویر شماره ۲ و ۳ - استفاده از چوب به عنوان ستون و سرستون)

حال، ذکر این مطلب ضروری می‌نماید که همزمان بحث درباره تصویر طبیعت در معماری تا قبل از دوره مدرن این مصادیق بیشتر در حیطه نقاشی و تصویرسازی دیواری، نقش برجسته و مجسمه‌سازی و به عبارتی تزئینات بنا باقی می‌ماند و آنگاه که به دوره معماری مدرن می‌رسیم الهام از طبیعت در پاره‌ای موارد حجم اصلی بنا را تحت تأثیر خود می‌گیرد. با توجه به مطالب فوق تصاویر طبیعت در معماری را می‌توان در دو گروه کلی مورد بررسی قرار داد:

۱- تصاویر غیر کاربردی طبیعت در معماری

- بهره‌گیری از طبیعت در کانسپت و ایده طرح
- انتزاع طبیعت و به‌کارگیری از تصاویر و یا نقش برجسته‌ها و یا تندیس‌هایی با مضمون طبیعت

۲- برداشت و الهام کاربردی از طبیعت:

- استفاده مؤثر از عناصر طبیعی مانند گیاه در ساختمان (تصویر شماره ۴)
- طراحی اقلیمی و مطابقت ساختمان با شرایط محیطی (تصویر شماره ۵)



(تصویر شماره ۴ - استفاده از عوامل طبیعی) (تصویر شماره ۵ - طراحی بر اساس شرایط محیطی)

– تصاویر غیر کاربردی طبیعت در معماری

تا قبل از قرن اخیر تصویر طبیعت در معماری با اهدافی بسیار متفاوت انجام گرفته است، اهدافی چون:

– ایجاد فضایی روحانی همراه با نمایش وحدت موجود در عالم هستی،

– تصویر طبیعت به عنوان بخشی از آئین جادویی،

– وام‌گیری و افزودن زیبایی‌ها و قدرت‌های موجود در طبیعت به ابنیه (تصویر شماره ۶)



(تصویر شماره ۶ – زیبایی بنا با استفاده از طبیعت)

معماری روستایی سنتی در روستاها نشانگر تعاملات بین فضای محلی و سکونتگاه‌های اولیه‌ی مردمی است که دارای پیش‌زمینه‌ی تاریخی طولانی هستند. با این‌که بسیاری از میراث‌های بومی علی‌رغم تغییرات جهانی، ثابت و دست‌نخورده باقی مانده‌اند اما آن‌ها در معرض منقرض شدن هستند. هویت معماری پایدار روستایی دربرگیرنده‌ی اصولی است که کاربرد مصالح بومی و فرایند ساخت‌وساز سازگار به محیط در این سبک در نظر گرفته شده را ترویج می‌دهد. هویت معماری روستایی شامل واحدهای مسکونی است که به نحوی در طول زمان شکل گرفته و توسعه یافته‌اند و بیانگر ارتباط بین مردم با محیط پیرامون است. بنا بر سنت، سکونتگاه‌های روستایی بیانگر توانایی مردم در تغییر محیط به نفع خویشان است به نحوی که کم‌ترین تأثیر را بر محیط داشته باشد.

اولین موردی که در هنگام ورود به روستا به ذهن می‌رسد، تراکم قابل توجه بناهای روستا است چرا که همواره در اغلب روستاهای منطقه شمال کشور به دلیل آب و هوای معتدل منطقه و البته نیاز به کوران، خانه‌ها با فاصله بسیار از هم ساخته می‌شوند، به‌گونه‌ای که بناها با فاصله‌ای نزدیک به هم و گاه چسبیده به هم ساخته شده‌اند و دلیل این مورد را می‌توان در شرایط آب و هوایی منطقه جستجو کرد. (تصویر شماره ۷)



(تصویر شماره ۷- تراکم بافت روستایی)

توجه به مسئله سرما را می‌توان در ایوان‌های بناها نیز مشاهده نمود، ایوان‌ها به‌گونه‌ای شکل گرفته‌اند که علاوه بر پاسخگویی به شرایط اقلیمی مرطوب منطقه و فراهم آوری کوران در فصل تابستان، بتوانند مسئله سرما را نیز در نحوه ساخت خود حل نمایند، بدین صورت همان‌طور که در شکل قابل مشاهده است، ایوان‌های ساخته شده در روستاها از چهار طرف باز نیستند، (تصویر شماره ۸) بلکه این ایوان‌ها به عنوان سکویی در مقابل ورودی قرار دارند که هم می‌توان در فصل تابستان از آن استفاده کرد و هم در فصل زمستان با قرارگیری در و دیوارهای چوبی در مقابل آن می‌توان تا حدودی از ورود سرما به بنا جلوگیری کرد.



(تصویر شماره ۸ - جهت ایوان خانه‌ها)

معماری بناها در برخی از روستاها به صورت دست‌نخورده و ابتدایی باقی مانده است که همین امر می‌تواند به عنوان میراثی گرانبه در نظر گرفته شود. معماری روستایی که معماران و بناهای آن اهالی خود روستا هستند، رنگ و بوی معماری قدیمی و روستایی خود را حفظ نموده است، همان‌طور که در تصویر شماره (۹) دیده می‌شود،

سلسله‌مراتب ورود به بنا و فضاهای به کار برده شده در بنا، عملکرد و شکل اصلی و حتی عناوین خود، در طول گذر زمان از گذشته تا به امروز را حفظ نموده‌اند.



(تصویر شماره ۹ - شکل و فرم بنا سازی روستایی)

اقلیم روستاهای الیت و دلیر سرد و کوهستانی است. در دامنه‌های اطراف این روستا، جنگل‌های انبوه و پوشیده از درختانی مختلف و درختچه‌های خاردار وجود دارد. همچنین در قسمت شمال و شمال غربی و شرقی این منطقه پوشیده از کوهستان‌ها است، در این قسمت گیاهان کوتاه خاردار و گیاهان علوفه‌ای یافت می‌شود.

به دلیل اقلیم منطقه و وجود آب و هوای سرد و کوهستانی، دیوارهای ساخته شده منازل بسیار قطور می‌باشند، به گونه‌ای که ضخامت این دیوارها به ۷۰ سانتی‌متر می‌رسد، به علاوه در این منطقه، به علت پاسخگویی به شرایط اقلیمی منطقه که دارای دمای ۲۱ درجه زیر صفر در زمستان و ۲۸ درجه بالای صفر در تابستان می‌باشد، از مصالحی با مقاومت حرارتی بالا استفاده می‌شود (شمس، ۱۳۸۹)؛ که البته این مصالح بوم‌آورد بوده و از جنگل‌ها و کوهستان اطراف به دست می‌آیند. اقلیم و آب و هوا و نوع پاسخگویی به شرایط، عامل اساسی در شکل‌گیری فرهنگ هر مرز و بوم است چرا که نوع پاسخگویی به اقلیم و شرایط خاص آب و هوایی در نوع رفتارهای نوع مسکن و نحوه زندگی که از عوامل تشکیل‌دهنده فرهنگ هستند، تأثیرگذار است (حسن یورلمر، ۱۳۹۲).

خانه‌های ساخته شده در روستاهای الیت و دلیر به سه دسته کاهگلی، سنگی و چوبی تقسیم می‌شود. برای ساخت بنا از مصالحی مانند خشت و کاه‌گل (تصویر شماره ۱۰) استفاده می‌شود. خانه‌های کاه‌گلی را بر روی سکویی از سنگ و ملات گل می‌سازند، این منازل پی‌کنی نداشته و بر روی سطح معمولی زمین ساخته می‌شوند. در سال‌های اخیر در روستاهای الیت و دلیر، بناهایی با مصالح جدید مانند بلوک و آجر و شیروانی‌های این بناها نیز با استفاده از

مصالح فلزی سبک (تصویر شماره ۱۱) ساخته شده‌اند. در حالی که سقف‌های چوبی منطقه پایدار بر سر جای خود قرار داشتند.

انواع مصالح بوم آورد نظیر؛ سنگ، خاک، چینه، چوب، ضایعات کشاورزی، الیاف طبیعی و انواع ملات‌های بومی ساختمان در نقاط مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. (ویسه و همکاران، ۱۳۸۸). بررسی‌ها و تحقیقات مشابه آن‌ها اثبات می‌کند که رویکردی دوباره به مصالح بوم آورد و تفکر برای تکامل و به کناره‌گیری مجدد آن‌ها در بناهای روستایی موضوعی رؤیایی و غیر واقعی نیست بلکه در نقطه مقابل می‌تواند به کاهش و یا رفع برخی از مشکلات نیز کمک نماید.



(تصویر شماره ۱۰- مصالح؛ کاه گل و...) (تصویر شماره ۱۱- مصالح؛ سیمان، تیرچه و...)

اقدام مهمی که در بسیاری از روستاها در پاسخگویی به کاربرد مصالح جدید برای ساخت بناها یا سنگفرش کوچه‌های روستا نموده‌اند، استفاده از سنگ‌های منطقه است. این اقدام ضمن برقراری ارتباط با بیننده تا حدودی هماهنگی بصری روستا را با طبیعت فراهم می‌کند.

شیوه‌های خانه‌سازی در روستاهای مازندران، خانه‌سازی با چوب است. ساخت و ساز رایج امروزی در روستاهای مازندران به خصوص خانه‌های روستاییان، همگون با محیط، زندگی و معماری روستایی زیبا و اصیل آن‌ها می‌باشد بخش مهمی از مشکلات در روستا به رواج و ترویج شیوه‌های ساخت مدرن و به‌کارگیری مصالح جدید مانند؛ بتن و فولاد مربوط می‌شود. (یوسف‌نیا پاشا، ۱۳۸۵)

در مناطق روستایی از آنجایی که خود اهالی محلی اقدام به ساخت بناهای خود می‌نمایند، لذا تدابیر سازه‌ای خاصی نیز برای آن‌ها در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال: همان‌طور که در شکل (۱۳) نشان داده شده است، در ساخت بناها در هنگام قراردادن تیرهای اصلی در سقف، میزانی از تیرها بیرون قرار می‌گرفته است، این امر مقاومت ساختمان را افزایش می‌دهد. در شکل (۱۴) مشاهده می‌شود که در زیر سقف شیروانی، از چوب‌های عمودی در فضا استفاده شده است. (صفری، ۱۳۹۴)



(تصویر شماره ۱۳) (تصویر شماره ۱۴)

سادگی از دیگر رمزهای معماری روستایی است. معماری روستا با خانه آغاز می‌شود و با خانه به آخر می‌رسد. (اکرمی، ۱۳۸۹). این شیوه، به‌گونه‌ای است که به راحتی خود را در شرایط ویژه محیطی، همساز می‌کند « (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱). این بناها در نگاه اول ساده و ابتدایی به نظر می‌رسند؛ ولی در واقع، توسط مردمی ساخته شده‌اند که همه هوش و ظرفیتشان را به کار گرفته و از تمامی روابط موجود بین خودشان، در ساخت آن‌ها استفاده کرده‌اند. (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸)، معماری روستایی در ایران، به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط‌زیست، مجموعه‌ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی‌کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست.

این هویت، از نفس سکونت و شیوه‌ی زیست در روستا نشأت می‌گیرد. به همین دلیل، مسکن در روستاها علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در بر می‌گیرد و به‌گونه‌ای متقابل با آن، پیوند می‌خورد. گونه‌های موجود مسکن روستایی مصادیق بارز این ویژگی محسوب می‌شوند. (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴)

با توجه به مشکلات پدید آمده در روستاها، به نظر می‌رسد در راستای حفاظت مسئولانه از کالبد و سیمای روستاها، روی آوردن به منابع طبیعی محلی و به‌کارگیری آگاهانه مصالح بومی می‌تواند تا حدودی مؤثر و کارگشا باشد. این مسئله به پاسداری از میراث گران‌بهای معماری روستایی که در زمره سرمایه‌های انسانی ملی تاریخی کشور است، کمک می‌نماید و باعث می‌شود تا اصالت و هویت معماری سکونتگاه‌های روستایی حفظ گردد. متعاقب آن، می‌توان به کشف رازها و اتحادهای نشانه‌هایی که در این معماری نهفته است، پرداخته و با مطالعه و یافتن راهکارهای تکامل و تداوم در کار برد آن، به استعراوه و پویا نمودن آن همت گماشت. (سرتیپی، ۱۳۸۸)

۴. نتیجه‌گیری

معماری، حاصل تفکر و روح بشر است. محتوای فکری و روحی انسان طراح و سازنده، در آن نمایان است. انسان روستایی، معماری را با آگاهی نسبت به محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و با بصیرت، نسبت به هستی و طبیعت طراحی می‌کند و می‌سازد.

آنچه شرایط ویژه روستاهای الیت و دلیر را به لحاظ موقعیت اقلیم و شرایط جغرافیایی در جهت جذب جمعیت کمک کرده است، فرهنگ موجود میان ساکنان روستاهای الیت و دلیر بوده است. نوع زندگی انسان‌ها، گذشته و فن‌آوری آن‌ها قابل مطالعه و تأمل است تا بتوانیم از تجارب و پیشرفت‌های آنان در جهت بهتر کردن فن‌آوری‌های روز استفاده کنیم. بدون شک مردمی که از گذشته بسیار غنی و پرفراز و نشیب برخوردار است، باید با این گذشته بیشتر آشنا و در جهت بهره‌گیری از این تجربه آگاهی داد.

چیدمان عناصر مورد نظر کنار همدیگر می‌تواند به بررسی، نگرش، نوع و چگونگی ارتباطات قومی و منطقه‌ای کمک شایانی نماید. با بیان این موضوعات می‌توان به دوره تاریخی جدیدی دست یافت و در نهایت آنچه در این منطقه به چشم می‌آید، وحدت میان طبیعت - ساکنان و ساکنان دو روستا در راستای همگرایی و هم‌نوایی در برقراری ارتباطات اجتماعی است.

بررسی و مطالعه‌ی چگونگی معماری هر منطقه با توجه به پیشرفت علوم معماری به جهت توسعه و رشد هر منطقه به شمار آمده و دو روستای الیت و دلیر به عنوان یکی از مناطق مهم تاریخی در همه ادوار از این قاعده مستثنی نیست. این منطقه به لحاظ دارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی نظیر اراضی قابل کشت، آب فراوان، هوای خوب، ژئومورفولوژی خاص، همواره در طول ادوار گذشته به عنوان یکی از سکونتگاه‌های انسانی در حوزه جغرافیای البرز مرکزی مورد توجه بشر بود.

در دوران باشکوه تاریخی سراسر کشور ایران به صورت یکپارچه مهد تمدن‌های بزرگ آن زمان شد. دوران هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی مملو است از پیشرفت‌های بی‌نظیر علم در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ایران و حتی فراتر از حوزه سیاسی ایران آن زمان بود. از این حیث می‌توان گفت؛ این دوره به دلیل وجود محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی متعدد و پراکنش آن در تمامی حوزه‌های جغرافیایی الیت و دلیر نشان از شکوه و عظمت دوره تاریخی در این منطقه می‌باشد. صرف‌نظر از نوع فضاها و فرم‌های به کار رفته، ابنیه ساخته‌شده در مناطق کوهستانی از ساختار کالبدی گرفته تا تزئینات وابسته به معماری منظر مشهود بوده و به راحتی قابل تشخیص می‌باشد و آنچه در بسیاری از ابنیه الیت و دلیر (بیشتر مذهبی و مسکونی) مشترک است

استفاده از عنصر اصلی چوب به عنوان اسکلت و ساختار، عنصر تزئینی و حتی دیوارهای جداکننده و باربر می‌باشد. تنوع این عنصر و فراوانی آن همواره موجب استفاده گسترده از آن در سازه‌های معماری شده است.



فهرست منابع

کتاب:

- پیرنیا، محمدکریم، سبک‌شناسی معماری در ایران، تهران، انتشارات سروش دانش، ۱۳۸۳.
- تسنیمی، عباسعلی، غزال راهب، مهتا میرمقتدایی، (۱۳۸۸). الگوی مسکن روستایی در استان اردبیل. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- حائری، محمدرضا، (۱۳۸۸) نقش فضا در معماری ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زرگر، اکبر. (۱۳۸۶). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، دانشگاه شهید بهشتی - تهران (چاپ چهارم).
- سرتیپی پور، حسن. (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- سرتیپی پور، محسن، (۱۳۸۸). خانه‌های روستایی ایران تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- ظاهری محمد، (۱۳۷۴)، جغرافیای سکونت (سکونت‌گاه‌های روستایی)، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تبریز، چاپ اول.
- ولی پور جعفر، نوشیر سارا (۱۳۸۷) شهر کهن چالوس، افست رضا، نوشهر.

مقالات:

- اکرمی، غلامرضا ۱۳۸۹- رازهای معماری روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۳۱، صص ۲۷-۵۰.
- افتخاری رکن‌الدین عبدالرضا، مجتبی حاجی پور، احداله فتاحی، پایدار کل سنگ ابوذر، (۱۳۹۱) بررسی میزان انطباق ساخت‌وسازهای جدید در نواحی روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۹، صص ۸۵-۹۵
- تقوایی، علی‌اکبر؛ بهرامپور و مهدیراد، مهنوش؛ ۱۳۸۸ بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه، فصلنامه آرمان‌شهر، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۰۵-۱۱۲.
- تقوایی، حسن، (۱۳۹۲) «منظر روستایی و جلوه‌های پرداخت محیط»، ماهنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۲.

حسن‌پور لمر، سعید، (۱۳۹۲) چگونه شناسی خانه‌های سنتی شهرستان تالش (نمونه موردی: روستای خاله سرا ۵۷). نشریه مسکن و محیط روستا شماره ۱۴۷ پاییز.

خاکپور، مژگان، مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صفحات ۶۳-۷۲.

دادورخانی: فضیله و محمدزاده لاریجانی؛ فاطمه؛ ۱۳۹۱، تحلیل تطبیقی نظرات سهم بران در خصوص اثرات گردشگری خانه‌های دوم بر جنبه‌های کالبدی - فیزیکی مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بیلاقی بخش بندپی شرقی شهرستان بابل)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۱، شماره ۱۴۰، صص ۸۳-۱۰۶.

سرتیپی پور، حسن. (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران، صغه، شماره. تهران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

سرتیپی پور، حسن. (۱۳۸۸). حفاظت و احیای میراث معماری روستایی؛ ضرورت، راهکارها، مسکن و محیط روستا شماره ۱۲۷.

شمس، مجید، خداکریمی، مهناز (۱۳۸۹)، بررسی معماری سنتی همساز با اقلیم سرد، نشریه آمایش محیط شماره ۱۰.

صفری کمال‌الدین پشته، محمد، دهقان، نرگس، (۱۳۹۴)، معماری بومی منطقه کجور (مطالعه موردی: روستای لاشک)، همایش معماری و شهرسازی بومی ایران.

طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰) تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت روستا - شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال، شماره ۳

عباس‌زادگان، مصطفی- (۱۳۸۹)، چالش‌های حفاظت از منظر بومی روستاهای ایران، در چکیده مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

کریمیان، حسام، احمدی، عباسعلی (۱۳۹۴) باستان‌شناسی فضایی، رویکرد علمی در مطالعه و تحلیل آثار معماری، فضاها شهری و بافت کهن، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان

ویسه، سهراب، خدابنده، ناهید، حکاکی فرد، حمیدرضا، طهماسبی، فرهنگ، (۱۳۸۸)، ارائه روش‌های مناسب در استفاده از مصالح بوم آورد، مسکن در محیط روستا، شماره ۱۲۶

یوسف نیا پاشا، مجید (۱۳۸۵)، قابلیت چوب در ساخت مسکن روستایی امروز در مازندران، مسکن و انقلاب،

Investigating the sociological impact of landscape architecture on the views of villages in northern Iran (Case study, sustainable architecture in Mazandaran, Elit and Delir villages of Chalus city)

Abstract

The northern region of Iran has always been known as a region with a moderate and humid climate, but the important issue is the existence of some places in this region with different climates. Since the climate has a direct effect on the formation of culture and architecture, the presence of cold and mountainous weather in the region has caused the formation of architecture different from other parts of the north of the country with a mild and humid climate. On the other hand, landscape architecture, based on naturalism, audience-oriented, functionalism based on exterior design with a combination of people's memories, needs, and common aesthetics, designs and directs the exterior space of the village, which unfortunately in Sima and rural landscape projects, the lack of expertise and inattention to the principles and techniques related to appearance and landscape has caused the repetition, similarity and unsuccessful eclecticism of foreign and domestic styles and sometimes the destruction of valuable historical elements and textures. In the meantime, examining the architecture of the region can answer some of these cases. In the meantime, indigenous structures are structures that have been used according to the climate and materials available in a specific region and have different details in the implementation that are specific to the same region.

Keywords: Architecture, sustainable architecture, elite and courageous architecture, landscape architecture